

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

بهرام رحمانی
۰۲ دسمبر ۲۰۲۱

چهل و ششمین جلسه دادگاه حمید نوری در ستکهلم!

چهل و ششمین جلسه دادگاه دفاعیات حمید نوری، دادیار پیشین زندان گوهردشت کرج و از متهمان اعدام‌های دسته‌جمعی زندانیان سیاسی در ایران، چهارشنبه، روز چهارشنبه ۱۰ آذر [قوس] ۱۴۰۰ برابر با ۱ دسمبر ۲۰۲۱، در دادگاه جرائم جنگی ستکهلم-سویدن آغاز شد. امروز نوری در پنجمین جلسه دفاع از خود، به اتهامات جنایت جنگی و قتل پاسخ داد.

حمید نوری در دادگاه: «خاوران داستانی است که کمونیست‌ها ساخته‌اند.»

نوری در چهل و ششمین جلسه دادگاه، گورهای جمعی زندانیان سیاسی در خاوران را فقط یک آدرس خواند. او همچنین در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفته‌های آیت‌الله منتظری جانشین وقت رهبر جمهوری اسلامی ایران را به «دروغ‌گوئی» متهم کرد.

حمید نوری امروز در پاسخ به سؤال دادستان درباره گورستان «خاوران» گفت: تا قبل از آمدن به سویدن چیزی در مورد آن شنیده است و «همه‌اش دروغ و ساختگی است. کمونیست‌ها خاوران را ساخته‌اند.»

او در عین حال تأیید کرد که جنازه اعدام‌شده‌ها را به خانواده‌های آن‌ها تحویل نمی‌دادند و گفت که واحد «اجرای احکام» جنازه اعدامیانی را که خانواده آن‌ها «ضوابط را رعایت نمی‌کردند»، پس نمی‌داد.

سه پاسخ متناقض در نوبت صبح دادگاه

نوری که امروز و روز گذشته به دفاع در برابر اظهارات حسینعلی منتظری، قائم مقام وقت بنیان‌گذار جمهوری اسلامی پرداخته بود، سه پاسخ متفاوت را در انکار اعدام‌های تابستان ۶۷ ارائه داد.

یک: «منتظری دروغ‌گو بود.»

حمید نوری در این جلسه، با رد صحت نامه حسینعلی منتظری به روح‌الله خمینی گفت، نامه منتظری را قبول ندارد و او را «دروغ‌گو» خواند.

حسینعلی منتظری در مرداد ۶۷ دو نامه به روح‌الله خمینی ارسال کرد و در آن نسبت به اعدام دسته‌جمعی زندانیان سیاسی و عواقب آن هشدار داده بود. او در یکی از این نامه‌ها خطاب به خمینی نوشته بود: «آیا می‌دانید که جنایاتی در زندان‌های جمهوری اسلامی به نام اسلام در حال وقوعند که شبیه آن در رژیم منحوس شاه هرگز دیده نشد؟ آیا می‌دانید که تعداد زیادی از زندانی‌ها تحت شکنجه توسط بازجویانشان کشته شده‌اند؟ آیا می‌دانید که در برخی زندان‌های جمهوری اسلامی دختران جوان به زور مورد تجاوز قرار می‌گیرند.» دو: «اظهارات منتظری واضح نبود.»

نوری در اظهارات خود ادعا کرد که بیست سال با منتظری زندگی کرده و حتی برای شنیدن حرف‌های او به همراه عده‌ای دیگر پیش او رفته‌اند اما به گفته نوری، او صحبت‌های منتظری را «نمی‌فهمید.»

نوری در این زمینه گفت: «مردم هم نمی‌فهمیدند اون چه می‌گوید و برای همین اسم بدی روی او گذاشته بودند.»

سه: «این اظهارات به منتظری منتسب شده و اصالت ندارد.»

او در پاسخ به فایل صوتی منتظری که از نقش «هیأت مرگ» در اعدام‌های تابستان ۶۷ پرده برداشته بود، این فایل صوتی را زیر سؤال برد و به مقامات دادگاه گفت: «شما صدای او را بهتر می‌شناسید یا من؟»

منتظری در این فایل‌های صوتی خطاب به «هیأت مرگ» گفته بود: «بزرگترین جنایتی که در جمهوری اسلامی شده و در تاریخ، ما را محکوم می‌کند، به دست شما انجام شده و شما را در آینده، جزو جنایت‌کاران در تاریخ می‌نویسند.»

او همچنین تصریح کرده بود: «خمینی را در آینده، خون‌ریز، سفاک و فتاک، لقب خواهند داد.»

حمید نوری پیش‌تر به مقامات دادگاه گفته بود تا زمانی که منتظری خود در دادگاه حضور نداشته باشد، ادله دادستان برای او معتبر نیست و انتساب این اسناد را به منتظری نمی‌پذیرد.

او در این دادگاه هم از سوئی منتظری را «دروغ‌گو» خواند و هم از سوی دیگر اصالت نامه‌ها، کتاب و فایل صوتی وی را زیر سؤال برد و گفت انتساب این ادله به منتظری را قبول ندارد و از سوی دیگر گفت، کسی صحبت‌های منتظری را متوجه نمی‌شد.

متهم در ادامه این دادگاه ادعا کرد که در زمان جنگ یک «سرباز» بوده اما اذعان کرد که «ستاد حمایت از جبهه و جنگ می‌رسان» را خود او تشکیل داده است.

او پیش‌تر اتهامات مطرح‌شده در دادگاه را رد کرده و به گفته وکیل او، موضع متهم این است که «این اعدام‌ها هرگز رخ نداده و نمی‌تواند اتهامات را بپذیرد.»

حمید نوری در باره عدم تحویل جنازه زندانیان سیاسی اعدام شده گفت واحد اجرای احکام جنازه اعدامیانی را که خانواده‌های آن‌ها ضوابط را رعایت نمی‌کردند پس نمی‌دانند و خودشان دفن می‌کردند.

او در پاسخ به گورهای جمعی خاوران گفت که «چنین چیزی وجود ندارد» و «خاوران جاده‌ای است در ضلع جنوبی تهران که می‌رود به سمت مشهد، به سمت قبر امام هشتم شیعیان.»

خاوران که محل دفن زندانیان اعدام شده دهه ۶۰ شمسی است دو قطعه دارد. در یک بخش نزدیک به در اصلی ورودی، افراد و اجساد اعدامیان سال‌های دهه شصت بعضاً به صورت انفرادی به خاک سپرده شده‌اند.

بنابر روایت شاهدان و خانواده‌ها، حکومت ایران تا پیش از اعدام‌های تابستان ۱۳۶۷، اجساد مخالفان سیاسی خود را در این محل دفن می‌کرد و به آن «لعنت آباد» می‌گفت. هرچند سنگ قبرها یا هر گونه علامت و نام این کشته‌شدگان نیز به طور مستمر در دهه‌های گذشته تخریب شده است.

اما بخش دیگر خاوران که هیچ نشانه یا قبوری در آن وجود ندارد، گورهای دسته‌جمعی زندانیان سیاسی است که در مرداد و شهریور سال ۱۳۶۷ اعدام شدند.

این گورهای دسته‌جمعی پس از آن شناسائی شد که عده‌ای از خانواده‌های اعدامیان سیاسی سال‌های قبل متوجه می‌شوند که در این محل اعضای بدن انسان از زیر خاک بیرون زده است. این خانواده‌ها برای مستندسازی از گورها و اجساد عکس گرفتند و برای چاپ و اطلاع‌رسانی به خارج از کشور ارسال کردند.

این گورهای دسته‌جمعی مدت کوتاهی پس از آن کشف شد که در مرداد [اسد] و شهریور [سنبله] ۱۳۶۷ هزاران زندانی سیاسی در ایران با استناد به حکم آیت‌الله خمینی و در دادگاه‌هایی چند دقیقه‌ای و بدون تشریفات قضائی معمول اعدام شدند.

جمهوری اسلامی ایران که از تحویل دادن اجساد هزاران اعدامی تابستان ۶۷ به خانواده‌هایشان خودداری کرده بود، تاکنون درباره گورستان خاوران و یا محل دفن اعدامیان تابستان ۶۷ اظهارنظری نکرده است. خانواده‌های اعدامیان تابستان ۶۷ اما در یادبود زندانیانشان، همچنان اولین جمعه شهریور و آخرین جمعه هر سال در این محل گردهم می‌آیند. این جمع که به «خانواده‌ها و مادران خاوران» آن، در سال‌های گذشته بارها بازداشت شدند یا تحت فشار و پیگرد نهادهای امنیتی و قضائی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفتند.

مقام‌های جمهوری اسلامی پیکر زندانیان اعدام‌شده را به صورت دسته‌جمعی در گورستان خاوران دفن کردند و محدودیت‌هایی را در زمینه حضور خانواده‌های قربانیان در این گورستان اعمال می‌کند. چندی پیش ده‌ها تن از بستگان این زندانیان سیاسی اعدام شده، در نامه‌ای به شهردار وقت تهران ضمن اعتراض به «تعرض و تغییرات» در خاوران، خواستار توقف الزام خاکسپاری متوفیان بهائی در این گورستان شدند. این خانواده‌ها اعلام کردند که ایجاد قبرهای جدید در خاوران با هدف از بین بردن بقایای محل دفن زندانیان سیاسی اعدام‌شده صورت می‌گیرد.

در واقع با شروع اعدام‌های جمعی در تابستان ۶۷ اعدام شدگان چپ در زندان‌های ایران را در گورستان پرت و دورافتاده خاوران خاک کردند. به باور مقام‌های جمهوری اسلامی فرد مرتد و دگراندیش چپ بعد از مرگ همچنان «نجس» است و نباید در گورستان‌های مسلمانان دفن شوند. هم‌زمان علاوه بر فرد جان‌باخته، مجازات شامل خانواده او هم می‌شود. حکومت خانواده اعدام‌شدگان را از اطلاع در مورد محل دفن عزیزانشان محروم می‌کند و حتی به آن اجازه نمی‌دهد مراسم عزاداری برای عزیزان از دست رفته خود برگزار کنند.

هر از گاهی ماموران با یورش به گورستان خاوران، علامت و نشانه‌گذاری‌های خانواده‌ها را از بین می‌برند و آن‌ها را دستگیر می‌کنند.

در شهریور ماه ۱۳۶۷، جمهوری اسلامی با کشتار زندانیان سیاسی، مخفیانه و شبانه صدها اعدامی چپ‌اوین و گوهردشت را در دو گودال بزرگ دفن می‌کنند. مدفون کردن اجساد چنان شتاب‌زده و سطحی بوده است، که عضوی از پیکر مرده و یا تکه لباسی از خاک بیرون زده بود.

در واقع همین سرنخ‌ها توانست جنایتی را که در آن تابستان در پشت درهای بسته زندان‌ها صورت گرفته بود بر ملا کند. این در حالی بود که جمهوری اسلامی در تلاش بود تا این اعدام‌ها را اکیدا مخفی نگه دارد.

خانواده‌های نگران که تمام آن تابستان پشت درهای بسته زندان‌ها و گورستان‌ها سرگردان بودند، این تصاویر را دیدند، عکس گرفتند، مستند کردند و برای اطلاع‌رسانی به خارج از کشور فرستادند.

این خانواده‌ها اما به این اکتفا نکرده، دسته‌جمعی رهسپار اداراتی چون دادگستری و مجلس شدند، به ارگان‌ها و نهادهای مختلف نامه نوشتند و این پرسش‌ها را مطرح کردند: چرا کشتید؟ کجا دفن کرده‌اید؟ پاسخ‌گو باشید.

این چنین بود که خانواده‌های خاوران، اولین شاهدان جنایت در بیرون از زندان، خواست دادخواهی را پایه گذاشتند. تلاش کردند که این جنایت علنی شود و عزیزانشان فراموش نشوند.

این تلاش‌های دادخواهانه هراس سران و مقامات حکومت را در پی داشت به‌طوری که آن‌ها، بارها برای از بین بردن این گورستان توجیهاتی را نپس کشیدند اما تاکنون موفق نشدند این آثار جرم بزرگ و تاریخی خود را از بین ببرند.

زمستان ۱۳۸۷، بولدوزرها را به خاوران فرستادند تا این گورستان را زیرورو کنند. همان‌طور که خانواده‌های جان‌باختگان در آن زمان گوشزد کردند، تخریب گورستان خاوران ادامه اقداماتی بود که از تابستان آن سال آغاز شده بود. ابتدا با اعمال فشار، بازداشت، احضار و حتی هجوم به منازل خانواده‌ها برای جلوگیری از برگزاری مراسم‌های یادبود خانگی و سپس با بستن راه‌های ورودی این گورستان و ممانعت از برگزاری مراسم سالیانه یادبود کشتار جمعی تابستان ۶۷، که با استقبال فعالان سیاسی و اجتماعی می‌رفت تا به تجمعاتی بزرگ تبدیل شود.

در واقع، طرحی را که سال‌ها در نظر داشتند، در زمستان ۸۷ با نظامی‌گری و توسط بولدوزرها به اجرا درآوردند. درهای گورستان را بر روی خانواده‌ها بستند. احضار و بازجویی مراجع‌کنندگان به خاوران از سوی ماموران وزارت اطلاعات شدت گرفت.

اقدام به تخریب خاوران در آن زمان هم با اعتراض‌های وسیعی مواجه گردید. درست در همین روزها، خانواده‌های خاوران به کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل نامه نوشتند:

«ما از شما می‌خواهیم که با استفاده از کلیه اختیارات و امکان‌های خود از ویرانی و نابودی این گورستان که سند جنایتی بزرگ است و نماد حافظه تاریخی مردم ایران، به فوریت پیش‌گیری کنید.»

نهادهای حقوق بشری و سازمان‌های سیاسی در کنار خانواده‌های خاوران ایستادند و این اقدام جنایت‌کارانه جمهوری اسلامی را شدیداً و با صدای بلند محکوم کردند.

خانواده‌ها اما خاوران را که با خاک یکسان شده، ترک نکردند. در حالی که خیلی از آن‌ها اصلاً نمی‌دانند که فرزند، همسر، خواهر و یا برادرشان در کجای این گورستان دفن شده است. آن‌ها رفتند و خاک مسطح و شخم زده را گل‌باران کردند.

مسلم است که خاوران مکانی است که حقیقت را در دل خاکش پنهان کرده، حقیقت بی‌دادگاه‌های دهه ۶۰ ایران، حقیقت فتوای خمینی، اعدام‌های جمعی تابستان ۶۷ و واقعیت هیات‌های تفتیش عقاید و کشتارهای فردی و جمعی جمهوری اسلامی و... اما تنها خاوران تهران نیست که بر حقیقت گواهی می‌دهد چرا که ما در همه شهرهای ایران خاوران‌ها را داریم که هنوز ناشناخته مانده‌اند. ما میلیون‌ها انسان دردمند و دادخواه و عدالت‌جو را داریم که برای محاکمه کلیه سران و مقامات جمهوری اسلامی لحظه‌شماری می‌کنند. بنابراین نه تنها خانواده‌های اعدام و ترورشده‌گان، بلکه اکثریت جمعیت ایران در همبستگی و همراهی با آنان، نه تنها اجازه نخواهند داد جان‌باختگان به فراموشی سپرده شوند، بلکه از هر فرصتی استفاده می‌کنند همچون دادگاه حمید نوری، همه آن‌ها را به پای میز محاکمه بکشانند!